

تبیین چرایی نزول متعاقب دو سوره فرقان و فاطر با تکیه بر مبانی تفسیر تنزیلی از نگاه دروزه

چکیده

باتوجه به روایت‌های مختلف در خصوص ترتیب نزول سوره‌ها، شایسته بود که به یک جدولی دست یابیم که تا حدود زیادی اختلافات تفسیری قرآن را در حیطه تاریخی بکاهد و متأثر از آن بتوان به تناسب مفهومی سوره‌ها دست یافت. در این راستا، جدول ترتیب نزول محمد عزه دروزه یکی از جدول‌هایی بوده که به مدد سیاق از قوت کافی جهت برقراری تناسب سوره‌ها برخوردار بود. از این روی، هدف اصلی نوشتار حاضر قرار گرفته و با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و مراجعه به منابع اصیل و تطبیق و تحلیل آثار موجود، این نتیجه حاصل گشته که مطابق جدول ترتیب نزول دروزه و باتوجه به محتوای متسالم این دو سوره، این سوره‌ها پشت-سره نازل گردیده‌اند. در نتیجه در هنگامه نزول سوره فرقان، مشرکان قریش به مدد ارشادات فرهنگی یهود مکه، تمام تلاش خود را معطوف به استهزای قرآن و ترور شخصیت پیامبر (ص) ساختند؛ به صورتی که این سوره در پاسخ به آنها، با سنخیت بخشی بین نظام پدیدار و تشریح، نازل گردید. به دنبال تشدید لجاجت‌ها و تمرد مضاعف مشرکان و یهود مکه، سوره فاطر با الگوی گفتاری سخت‌تر نسبت به سوره فرقان نازل گردید.

کلیدواژه‌ها: مشرکان، تفسیر، یهود، تنزیلی، دروزه.

پیشگفتار

زمان و مکان یکی از محتواهای بیرونی است که در کنار محتوای داخلی از قبیل حوزه‌های معنایی ترادف و هم‌نشین، می‌تواند نقش کلیدی در دست‌یابی به مقصود متون که قرآن نیز از این قاعده مستثنی نیست، داشته باشد. این محتوای بیرونی در هندسه تفسیری قرآن به تفسیر تاریخی قرآن نامگذاری شده است. براساس آن، چنانچه قرآن به ترتیب نزول و در بستر تاریخی‌اش مطالعه شود، دامن بسیاری از اختلافات تفسیری برچیده می‌شود. از این منظر، شناخت صحیح سیره پیامبر (ص) یکی از نتایجی است که تاریخ‌گذاری قرآن به دنبال دارد؛ چراکه از یک‌سو، به‌صورت تقریبی بخشی از سوره‌های قرآن به‌صراحت یا به اشاره، از پیامبر (ص) ارائه گردیده و از دیگر سو، متن قرآن به‌طور مسلم تنها متن اصیلی است که از عصر رسول خدا (ص) به ما رسیده است. یکی دیگر از فواید ترتیب نزول در کنار سیاق، تصحیح بسیاری از روایات ترتیب نزول برای رسیدن به یک جدول مشترک در زمینه ترتیب نزول سور است. روشی که دروزه، مفسر فلسطینی تا حدودی توانست از عهده آن برآید

تلقی دروزه این است که قرآن، دوره کامل سیره پیامبر (ص) را از آغاز تا پایان به‌صورت نظام‌یافته و رو به تکامل و گسترش نشان می‌دهد. به اعتقاد دروزه، الگوی تراز قرآنی، الگوی پیامبر (ص) است. محور یا شاخصه‌های این الگو را می‌توان از طریق زندگی قبل از بعثت پیامبر (ص) تا صدر اسلام و پس از آن در دوران حیات نبوی در مدینه دریافت. به نظر او همه این جنبه‌های الگویی را می‌توان از رهگذر آیات قرآنی که ذیل موضوعی خاص دسته‌بندی شده است، جست‌وجو و درک نمود. (ر.ک: دروزه، ۱۴۲۱ق: ۱/۱۳) برای کسی که با دقت و مطابق ترتیب نزول به قرآن نگاه می‌کند، آشکار می‌گردد که تمام سوره‌ها، مجموعه‌ها و فصل‌های قرآن، موضع‌گیری‌های متقابل پیامبر (ص) و محیط اجتماعی اوست. محیطی که در آن از یک‌سو مشرکان و اهل کتاب و منافقان قرار دارند و از سوی دیگر مؤمنان؛ هر سوره از آیات قرآن یا مجموعه‌ای از آیات، فصلی از زندگی پیامبر (ص) و موقعیت ایشان در میان کسانی است که دعوت او را پذیرفته یا برعکس در تقابل با مشرکان، یهودیان و منافقانی است که از پذیرفتن دعوت او سر باز می‌زنند. (ر.ک: ۱۴۲۱ق: ۱/۱۴۲)

پیامبر (ص) در محیط مکه در مرحله میانی دعوت خویش به مدارا و مامشات و صفح در برابر مشرکان مأمور می‌شود تا با توجه به شرایط خفقان آن فضا، مشرکان فرصتی برای شنیدن پیام الهی را داشته و در نتیجه بستر لازم برای هدایت آنها فراهم گردد؛ چراکه پیامبر (ص) و اولیای الهی براساس آموزه‌های قرآنی باید تمام فرصت‌های ممکن را برای هدایت انسان‌ها فراهم سازند. براین اساس، رسول گرامی اسلام در سایه بافت زمانی و مکانی سوره‌های فرقان و فاطر، روش خردمندانه‌ای را در مدارا و دعوت نسبت به دین الهی، نصب‌العین خود قرار داد.

بدیهی است دعوت به توحید خالص و درهم ریختن نظام شرک و بت‌پرستی در آن زمان و در آن محیط، کار سختی بود و در میانه نزول در مکه، این مسأله نمایان بود که گروهی به استهزا بر می‌خیزند و به همین جهت خداوند به پیامبرش قوت قلب می‌دهد که از انبوه دشمنان و استهزا کنندگان نهراسد و دعوت خود را آشکارا و علنی انجام دهد و به یک مبارزه پیگیر و منطقی در این راه دست یازد. خود آن حضرت نیز در مقابل اذیت و آشکار مشرکان می‌فرمود: «اصبروا فآتی لم أؤمر بالقتال» (ر.ک: وهبة الزحیلی، ۱۹۶۰م: ۱۱۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳/۳۸۰؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ۳/۵۰۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۱۰۱/۹؛ خوبی، ۱۴۰۰ق، ۳۶۷/۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۸/۱۹)

بیان مسأله

سیوطی می‌گوید: «یکی از اصولی که قرآن بر طبق آن رفته است، این است که هر سوره، تفصیل یافته و شارح مطالبی است که به طور اجمال در سوره پیشین مذکور افتاده‌اند. این چگونگی در غالب سوره‌های کوتاه و بلند قرآنی، دیدنی است.» (سیوطی، ۱۴۰۶ق: ۶۵) محمد محمود حجازی هم متأثر از توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها در مورد وجه مناسبت سوره انعام با مانده چنین ادعا می‌کند: «اما مناسبتها ففی المانده محاجة اهل الكتاب و فی هذه المشركين و المائده ذکرت المحرمات بالتفصیل لانها من آخر القرآن نزولاً و الانعام ذکرت ذلک جمله» (حجازی، ۱۹۸۲م: ۱/۲۵۸) و این در حالی است که تناسب سوره نه تنها توقیفی نیست، بلکه پیروان این نظریه هم از این رویکرد راه به جایی نبرده‌اند. و از سوی دیگر کسانی که تنظیم یافتن سوره‌ها را پس از دوران پیامبر می‌دانند، می‌توانند تناسب میان سوره‌ها را به صورت قاعده‌ای کلی و فراگیر نفی کنند؛ اما نمی‌توانند انکار کنند که برخی سوره‌ها با ترتیب کنونی همچون بقره و آل عمران از تناسب استواری برخوردارند به گونه‌ای که جز به گزاف نمی‌توان منکر تناسب آنها شد. و شاید به همین دلیل صبحی صالح به عنوان طرفدار توقیفی بودن سوره، گفته است: «ایمان به توقیفی بودن تنظیم سوره‌ها نیز لزوماً به این معنا نیست که بین هر دو سوره همجوار، رشته‌های پیوند وجود داشته باشد.» (صبحی صالح، ۱۳۵۸ش: ۵۲-۱۵۱)

از این رو بهترین راه برای این مسأله، توقیفی ندانستن سوره‌ها و در نظر داشتن معرفت مفهومی آنها بر اساس ترتیب نزول است؛ چرا که دعوت اسلام مراحل از رشد و تکامل را پیمود و خدای حکیم به تناسب هر مرحله، سوره و آیاتی از قرآن را فر فرستاد. قرآن در سیری حکیمانه نازل شده و آیات بر پایه همین سیر در قرآن توزیع شدند. (ر.ک: بهجت پور، ۱۳۹۲ش: ۸۴-۷۷) بنابراین به جای آنکه با استناد برخی تناسب‌های سست و تکلف‌آمیز که برخی استخراج کرده‌اند به رد ارتباط میان سوره‌ها پردازیم و سخن گفتن در این باره را اتلاف وقت بدانیم، بهتر آن است که راه مقایسه‌گری میان دو سوره همجوار و تدبر در نقطه‌های اشتراک میان آن دو را بر اساس ترتیب نزول باز گذاریم و چه بسا با این کار، شناخت بهتر و دقیق‌تری از سوره‌های قرآن به دست آید و لطایف دیگری از قرآن کشف گردد. کاری که نگارنده بر اساس ترتیب نزول توانست به وجه تناسب و هماهنگی مضمونی دو سوره فرقان و فاطر دست یابد؛ به گونه‌ای که این دو سوره در موضوعات و مطالب مختلف، شکلی همگونی داشته باشند؛ بنابراین مبتنی بر این موضوع، چگونه ترتیب نزول می‌تواند ما را به این تناسب مفهومی برساند؟ پاسخ به این پرسش‌ها نگارنده را یاری می‌کند تا با تحلیل درست ترتیب نزول سوره‌ها، پیوند معنایی بین این دو سوره را بشناسد و به این همگرایی معنایی برسد که در سال‌های میانه بعثت پیامبر (ص) با گسترش و تشدید فشارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یهود و مشرکان در مکه، تنها اهرم اقتناعی، عقلایی و روشنگرانه پیامبر (ص) و مسلمانان برای برخورد با مشرکان قریش و یهودیان مکه، معطوف به قرآن است. بدین منظور، مقاله پیش رو پس از بررسی ترتیب نزول و ترسیم جدول آن، اقدام به تناسب مفهومی سوره فرقان و فاطر بر اساس جدول مزبور نموده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون آثار زیادی در زمینه «تناسب مفهومی سوره‌ها» نگاشته شده است: کتاب «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» البقاعی، که این کتاب تفسیر بزرگی است که نویسنده آن را جهت اثبات پیوند محتوایی بین سوره با سوره‌ها و آیه با آیه‌ها در ضمن سوره‌ها نگاشته است. نیز مقاله «بررسی دیدگاه مفسران فریقین پیرامون توقیفی یا اجتهادی بودن چینش سوره» محمدعلی اخویان و رحمان زارع (۱۳۹۹ش) در نشریه «پژوهش‌های تفسیر تطبیقی» چاپ و مقاله «الگوی در تحول دانش تناسب سوره؛ مطالعه موردی تناسب سوره فتح و محمد» نوشته صدیقه جنتی فیروزآبادی و کمال صحرايي اردکاني (۱۴۰۰ش) در نشریه «آموزه‌های قرآنی» در صدد پاسخ به موضوع تناسب بین سوره‌ها و نظرات معطوف به آن نگارش یافته است؛ اما وجه تمایز مقاله حاضر با آثار یادشده؛ جزئی و مسأله

محور بودن توجه به زمینه‌های معرفتی سوره‌های فرقان و فاطر است و مبانی و رویکردهای مفهومی این دو سوره حول محور هدایت-بخشی قرآن است.

ترتیب نزول از دیدگاه دروزه

از نظر دروزه تفسیر براساس ترتیب نزول بهترین روش فهم آیات قرآن است. او معتقد است بدین وسیله هر یک از آیات، در فضای نازل شده و با توجه به شرایط و مقتضیات موجود هنگام نزول مورد توجه قرار می‌گیرد و خواننده فهم بهتری از آیه پیدا می‌کند در حالی که با بررسی آیات جدا از جو حاکم هنگام نزول، این حالت حاصل نمی‌گردد. (ر.ک: دروزه، ۱۴۲۱ق: ۹/۱)

از آنجاکه دروزه علت بسیاری از مشکلات را اعتقاد به دفعی بودن نزول قرآن می‌داند، با تأکید بر ارتباط نزول قرآن در دوره‌های مختلف با حوادث خارجی، همانند برخی از قرآن‌پژوهان (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵ق: ۱۲۳/۱ - ۱۰۲؛ زمخشری، ۱۴۷ق: ۲۲۷/۱؛ شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۶۳/۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱/۱۲۵) با نزول دفعی مخالفت می‌کند. (ر.ک: دروزه، ۲۵۷/۱ و ۲۵؛ ۱۳۲/۲؛ ۵۳۷/۴) وی تشخیص بستر تاریخی هر سوره یا هر فصل از آن را وابسته به این باور می‌داند که هر بخش از قرآن به اقتضای شرایط آن زمان، نزول یافته است. از این رو اعتقاد به نزول تدریجی را یکی از مبانی خود در تاریخ‌گذاری قرآن قرار می‌دهد.

دروزه با وجود دسترسی به برخی از روایات ترتیب نزول که از جابر بن زید، حسن، عکرمه و ابن عباس نقل شده و یا در مقدمه «تفسیر خازن» و تفسیر «مجمع البیان» آمده است. (ر.ک: دروزه، بی تا: ۹/۲) به فهرست مصحفی معروف به «مصحف قدروغلی» اعتماد می‌کند. او علت این اطمینان را، نظارت گروهی از افراد خیره بر انتخاب ترتیب صحیح سوره‌ها در تهیه این فهرست می‌داند. (ر.ک: دروزه، ۱۴۲۱ق: ۱۳/۱ - ۱۲) در تعریف این مصحف آمده است: «این مصحف بر طبق روایت حفص بن سلیمان بن المغیره الاسدی الکوفی از قرائت عاصم بن ابی النجود الکوفی التابعی از ابی عبدالله بن حبیب السلمی از عثمان بن عفان و علی بن ابیطالب و زید بن ثابت و ابی بن کعب از رسول اکرم (ص)، کتابت و ضبط شده است.» (دروزه، ۱۴۲۱ق: ۱۶/۱ - ۱۵) نگارنده در ادامه با بهره‌مندی از الگوواره و پارادایم^۱ محمد عزه دروزه، مفسر معروف فلسطینی که التفسیر الحدیث را بر پایه روایات ترتیب نزول به نگارش درآورده، به ترسیم جدول ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته و سپس در ادامه براساس آن جدول، به بررسی مفهومی دو سوره فرقان و فاطر می‌پردازد. ترتیبی که در مصحف قدروغلی آمده، به قرار زیر است (در سطور زیر، ابتدا نام سوره، سپس شماره ترتیب نزول آن و پس از آن، شماره ترتیب هر سوره در مصحف عثمانی آمده است). (ر.ک: دروزه، ۱۴۲۱ق: ۱۶/۱ - ۱۵)

جدول (۱-۱) ترتیب سوره‌های مکی براساس مصحف قدروغلی.

نام سوره	ترتیب نزول	ترتیب مصحف
علق	1	96
القلم	2	68
المزمل	3	73

1- Paradigm.

74	4	المدثر
1	5	الفاتحه
101	6	المسد
81	7	التكوير
87	8	الأعلى
92	9	الليل
89	10	الفجر
93	11	الضحى
94	12	الشرح
103	13	العصر
100	14	العاديات
108	15	الكوثر
102	16	التكاثر
107	17	الماعون
109	18	الكافرون
105	19	الفيل
113	20	الفلق
114	21	الناس
112	22	الإخلاص
53	23	النجم
80	24	عبس
97	25	القدر
91	26	الشمس

85	27	البروج
95	28	التين
106	29	قريش
10	30	القارعه
75	31	القيامة
104	32	الهمزة
77	33	المرسلات
50	34	ق
90	35	البلد
86	36	الطارق
54	37	القمر
38	38	ص
7	39	الأعراف
72	40	الجن
36	41	يس
25	42	الفرقان
35	43	فاطر

استفاده از فرقان به جای قرآن

بر پایه بررسی‌های سیر ترتیب نزول، آیه «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان: ۱)، اولین آیه‌ای بود که خداوند قرآن را فرقان نامیده است. قرآن در طول ۴۱ سوره نازل شده تا آن زمان، به تبیین حق و باطل پرداخته بود. از این رو خدای متعال در زمانی که شاید کافران انتظار داشتند با شکست پیامبر (ص)، کار دعوت او را به پایان برسانند، از حقیقت دیگری پرده برداشت و توضیح داد که این سوره با سوره فاطر و سوره‌های تاکنون نازل، نه تنها ظرفیت تحول‌آفرینی و هشدار به مردم مکه را داشته‌اند، بلکه فارق حق و باطل هستند. (ر.ک: بهجت پور، ۱۳۹۹ش: ۱۸) به نحوی که پیامبر را قادر ساخته‌اند جهانیان را تحت

تأثیر دعوت هشدار و تبیین‌گر حق و باطل خود قرار دهد. از این‌رو، رسالت جهانی و گسترش امر دعوت وی به مرزهای عالم و گذر از محیط جغرافیایی مکه مسلّم است و انتظار شکست یا پایان دعوت آن حضرت در مکه با وجود قرآن، توهمی بیش نیست.

به همین دلیل در ادامه، سوره فرقان شروع نزول خود را به موضوع قرآن اختصاص داده و در مقابل جبهه‌گیری‌های قریش که در مقابل این همه روشنگری که هیچ شباهتی به شعر و شاعری نداشته، قرآن را ساخته و پرداخته خود پیامبر دانسته و به آن افسانه پیشینیان می‌گفتند. (فرقان: ۱۹) قرآن در آیه ۹ سوره فرقان، ظلم وارده بر پیغمبر و رسالتش را به زیبایی هرچه تمام‌تر تبیین می‌کند و می‌فرماید: «انظُرْ كَيْفَ صَرَّبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ...»؛ در کوران تهمت و ظلم، رابطه زیبای عاشق و معشوق برقرار است و خداوند به رسول خویش در حال دل‌داری دادن است و همه آن تهمت‌ها را اوصافی نامعقول و نامربوط می‌داند و با نتیجه‌گیری صحیح و ملموس حاصل کار کفار و ظالمان را به دلیل بیراهه رفتن، مسیری می‌داند که هرگز به راه خیر بر نخواهد گشت.

یهود در سوره فرقان

همان‌طور که اشارت رفت در آیه ابتدایی سوره، خداوند به تمجید از قرآن و عظمت آن می‌پردازد و در آیه دوم به مرتبه نزولی آن از ناحیه خداوند و مأمور ساختن پیامبر (ص) پرداخته که برای انداز و تبیین راه حق و هدایت از راه ضلالت آمده و بیان این مهم که خداوند نه تنها مبدأ تشریح دین و قرآن است، بلکه ملکوت آسمان‌ها و زمین برگرفته از قدرت اوست؛ بنابراین فارغ از هرگونه شریک و فرزند است؛ چراکه او خالق تمام کائنات و پدیدارها بوده و همه عالم هستی را نیز بر اساس حساب تعبیه کرده و کوچک‌ترین شک و تردیدی در این زمینه وجود ندارد. بر همین اساس کافرین یهود را مورد مؤاخذه قرار داده که چرا برای خداوند شریک قرار می‌دهید. حقیقتی که علاوه بر دلایل هستی‌شناختی و پدیدارشناسانه متقن او، اوصافش را در معارف تورات دیدید، اما دوباره در قرآن این حقیقت را نادیده گرفتید. و تماثل چوبی و انسانی که مصنوع و مخلوق خداوند بوده و کمترین اختیاری از خویش ندارند را به‌عنوان شریک برای خداوند انتخاب کردید.

طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه می‌گوید: «و سیاق آیات خالی از اشاره به این معنا نیست که مراد از "قَوْمٌ آخَرُونَ" بعضی از اهل کتاب است، در روایات هم آمده که قوم آخرین عبارت بودند از: عداس مولای حویطب بن عبد العزی، یسار مولای علاء بن حضرمی و جبر مولای عامر که هر سه از اهل کتاب بودند و تورات می‌خواندند، بعد از آنکه مسلمان شدند، رسول خدا (ص) با ایشان پیمان بست، در نتیجه کفار این حرف‌ها را زدند، که این چند نفر هم او را در این افترا کمک کردند.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۵/۲۵۳) همین‌طور گروهی از مفسران در ذیل این آیات آورده‌اند که نضربن حارث و گروهی از مشرکین قریش ادعا داشته‌اند که محمد قرآن را از بعضی از یهود یا نصاری که در مکه ساکن بودند فراگرفته است؛ این افراد از بزرگان یهود و نصارا بودند از جبر، یسار رومی و عبیدبن حصر حبشی کاهن و پیغمبر مأمور دریافت قرآن از کتاب‌هایشان بود. (رک: خازن، ۱۴۱۵ق: ۳/۳۰۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۶/۵۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۸/۱۳۶)

در آیات ابتدایی سوره فرقان، با اینکه حکومت سیاسی مکه بر عهده مشرکان قریش بوده و در نتیجه حاصل این زعامت سیاسی، رتق و فتق تمام امور می‌باشد، چرا ابتدا از کفار (یهود)، نام برده شده و در پایان از مشرکین؟ در پاسخ باید گفت: اگرچه زعامت سیاسی و تصمیم‌گیری‌های عمده و کلان مکه و قبائل اطراف بر عهده ی قریش و مشرکان بوده اما زعامت دینی و خط‌دهی‌های فرهنگی، بر عهده

اهل کتاب بوده و مشرکان چون امی بوده و از آیین ابراهیمی (حنیفیت)، فاصله گرفته^۲، توانایی استدلال در برابر قرآن و پیامبر را نداشتند و ناچار بودند که برای جبران این نقیصه از اهل کتاب ساکن در مکه، کمک و مساعدت فرهنگی و دینی بگیرند. از طرفی از اهل کتاب انتظار می رفت که به مدد یافته‌های دینی خویش که منبعث از گزاره‌های تورات بود، از حقیقت قرآن به‌عنوان دین و آیین الهی در برابر مشرکان دفاع کنند؛ اما علی‌رغم عدم دفاع از پیامبر (ص) و قرآن در مقابل مشرکان قریش، در بیشتر اوقات، از مشاورین مذهبی رده بالای مشرکین محسوب شده و آن نعمت عظیمی را که خداوند در مورد حقیقت رسالت پیامبر (ص) و قرآن در اختیارشان قرار داده بود با ظلم خویش کتمان کرده و به آن کفر ورزیدند.

پس در این آیات، منظور از «کفار»، یهودیان مکه هستند که حقیقت و حیانی قرآن را انکار کرده و به‌عنوان مستشاران فرهنگی و سیاسی قریش، قرآن را برگرفته از گروه دیگر در مکه و شبه جزیره می‌دانند و در پایان با نسبت قرآن به افسانه‌های پیشینیان (فرقان/ ۵)، کمال استهزا و تمسخر را در مورد پیامبر (ص) و قرآن اعمال نمودند.

نزول تدریجی قرآن در سوره فرقان

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَّاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» (فرقان/ ۳۲). این آیه به تلویح، لایه‌هایی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کلام الهی را نشان می‌دهد. در قرآن محتوایی وجود دارد که پیامبر (ص) را برای باقی ماندن در مواضع به حقیقت تقویت می‌کند. چنین قابلیت‌هایی در قرآن در پرتو ترتیب نزول فراهم و پیامبر (ص) را قادر ساخت تا در اشاعه گفتمان بین اسلام و کفر توفیق یابد و قدرت مقاومت در برابر کافران در وی بالاتر رود. این شیوه قرآن روشن می‌کند که رهبران جامعه باید برای تقویت مستمر قلوب خود در شرایط و شبهات و پیشامدها، آیات مرتبط و متناسب را مرور کنند تا در چالش‌ها ثبات قدم و قوت قلب بیابند.

در ادامه دوباره برمی‌گردیم به تقابل معنایی واژه «فرقان» در ابتدای سوره که رهنمی است بر تبیین معنای «کافرین» در این سوره. باتوجه به بافت و سیاق آیات و برخلاف نظر بیشتر مفسرین که جایگاه تبلیغی و مسکونی یهود را مربوط به مدینه می‌دانند، باید اظهار داشت که منظور از واژه «فرقان»؛ جدا جدا و بخش‌بخش بودن است؛ نزولی که یهودیان مکه به‌عنوان مخاطبان اولیه نزول، با مقایسه نزول تدریجی قرآن با نزول دفعی تورات، بر آن خرده گرفته که چرا اگر قرآن کتاب الهی است همچون تورات یکباره نازل نشده و بخش‌بخش و جدا جدا نازل گردیده است. (فرقان/ ۳۲) بنابراین این جدا جدا نازل شدن قرآن دال بر این است که قرآن ساخته و پرداخته خود محمد باشد، و چه بسا بعضی از یهودیان که مسلمان شده‌اند آن را به او تعلیم داده باشند. در نتیجه در جمله «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا»، ظاهراً مراد اهل کتاب باشند از یهود و نصاری به قرینه جمله: «لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَّاحِدَةً» چنانچه تمام کتب آسمانی بر انبیای سلف جمله واحد نازل شده مثل صحف آدم، شیث، ابراهیم و تورات موسی و زبور داود و انجیل عیسی علیهم السلام. (ر.ک: طیب، ۱۳۶۹: ۹/ ۶۱۲)

ایراد یهود به مضامین سوره فرقان

^۲ - برخلاف تصور برخی از مفسران و دانشمندان قرآنی که می‌گفتند منظور از کافران در سوره فرقان مشرکان قریش می‌باشند و مشرکان قریش نیز اگر سؤالی در مورد نبوت و قرآن می‌داشتند به مدینه مراجعه کرده و از یهودی‌ها می‌پرسیدند. (ر.ک: ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴/ ۲۰۰) از میان مفسران معاصر، علامه طباطبایی به‌وضوح از عدم‌تعامل یا لاقابل از عدم‌تقابل پیامبر (ص) با اهل کتاب در دوران مکه سخن گفته است. ایشان ذیل آیات ۹۱-۹۰ سوره حجر می‌نویسد: «این پاره وحی درباره معاشرت با اهل کتاب هشدار داده و بر ما مسلم است که در آیات مکی هیچ سخنی از یهودیان گفته نشده است؛ زیرا پیامبر (ص) در مکه با آنان در تعامل نبوده و این تعامل در مدینه بوده است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۵/ ۳۶۷) علامه طباطبایی تنها مفسر معاصر نیست که معتقد به عدم تعامل یهودیان با پیامبر (ص) در دوران مکه است؛ بلکه نویسندگان تفسیر نمونه در چندین موضع بر عدم ارتباط یهودیان با پیامبر (ص) در دوران مکه تأکید دارند. از این رو در ذیل آیه ۹۱ سوره مکی انعام با وجود انسجام و سیاقی یکسان، قائل به نزول این آیه در مدینه هستند؛ چرا که پیامبر (ص) با یهودیان در مدینه به شکل مستقیم برخورد داشته نه در مکه (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵/ ۳۳۸؛ طبری، ۱۳۷۲: ۴/ ۷۷۷؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ۶/ ۳۴). خوانندگان عزیز برای مطالعه بیشتر (نک: احمدنژاد و کلباسی اشتری، ۱۳۹۳)

یهودیان نه تنها انتظارات الهی در تصدیق قرآن را برآورده نکرده بودند، بلکه جهت دفاع از خویش و برتری نسبت به سایر ادیان، در حرکتی رقابت گونه با مسیحیان، عزیر را فرزند خداوند دانسته؛ به شکلی که این کنش و واکنش نه تنها در مکه، بلکه در مدینه نیز تا سال‌های پایان نزول ادامه داشته است. به صورتی که تا سال‌های پایانی نزول وحی، خداوند در مذمت کنشگری‌های منفی آنان در آیه ۳۰، سوره توبه می‌فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ». به نظر می‌رسد بارزترین ویژگی‌های اخلاقی و اعمال ناپسند آنان، تحریف و قلب حقایق و حس نژادپرستی شدید و نتیجتاً، ابراز حقد و کینه نسبت به پیامبر اسلام (ص) است. (ر.ک: دیاری بیدگلی، ۱۳۸۳ش: ۳۷۱)

وارونه‌سازی حقایق و گزاره‌های قرآن توسط یهودیان، آنقدر پررنگ و تأثیرگذار بوده که پیامبر (ص) برای جلوگیری از این جریان منفی، مسلمانان را هشدار می‌دهد که جهت دریافت دین و امور آن به یهودیان نزدیک نشوند: سخنان اهل کتاب را نه تصدیق کنید و نه تکذیب؛ و بگویید به خدا و آن چه برای ما نازل شده است ایمان آوریم. (همان: ۳۷۱) در آیه ۴ سوره فرقان «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّا هَذَا إِلَّا آفَاقٌ أَقْرَبُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا»، یهودیان چون نسبت به حقیقت قرآن و الهی بودن آن آگاه بودند با ظلم و زور توصیف شدند. دروزه در ذیل آیه می‌گوید: «خداوند با وصف ظلم و زور و تأکید آن، به نوعی به پیامبر دلگرمی می‌دهد که از این ظلم و ستمی که در حق قرآن و وحی شده ناراحت نباشد؛ چراکه قرآن وحی خداوندی است که سر آسمان‌ها و زمین را می‌داند.» (دروزه، ۱۴۲۱ق: ۴۹/۳) در آیه ۲ سوره فرقان خداوند متناسب با الگوی اقماعی، سعی در متقاعد ساختن دشمنان خود دارد و به همین دلیل مالکیت آسمان و زمین را از آن خود دانسته و پیرو برهان علی و معلولی خویش، ذهن‌ها را به دقت و تفکر وامی‌دارد؛ با فراهم شدن بستر تخاطب، می‌فرماید اگر شما ادعا می‌کنید که خداوند مالک آسمان‌ها و زمین است و باتوجه به نظم حاکم بر آن که شکی در خالقیت خداوند نسبت به این مخلوقات ندارید، چگونه به او نسبت ناروای اتخاذ فرزند و شریک می‌دهید؛ چراکه پیوند چنین نقصی به خداوند نادیده گرفتن این خلقت عظیم است. در ادامه، قرآن در کنش خردگرایانه خود با دشمنان، به کفار نسبت به وارد آمدن تهمت زمینی بودن قرآن هشدار می‌دهد و در پاسخ آنها اظهار می‌دارد: قرآن نه تنها بافته‌های پیشینیان و حاصل تعلّم بشری نیست، بلکه فرآیند مسیر هدایت است که با تأسی به آن، انسان می‌تواند در قیامت خوشبختی خویش را تضمین کند و از طرفی این قرآن عظیم از گزند همه تهمت‌های شما کفار مبرا می‌باشد؛ زیرا همان خداوندی که سرّ نظم و حکمت آفرینش و علت و معلول را در این دایره هستی به امانت گذاشته و به اسرار آن آگاه است، مُنَزَّلِ قرآن است. (فرقان/ ۶)

بنابراین در آیه ۵۲ سوره فرقان، پیغمبر مأمور است همگام با فعالیت‌های فرهنگی یهود در مکه که از قدرت سیاسی چشمگیری برخوردار نبوده‌اند به تقابل فرهنگی که همان معرفی قرآن به آنان است، بپردازد و با مشاهده جلوه‌های خلقت و قدرت آفرینش، از یهودیان به عنوان طلابه‌داران قدرت نرم اطاعت نکند. از طرفی تکرار واژه کفر در این سوره، دال بر این مهم است که یهودیان و به تبع مشرکان، حقیقت قرآن و الهی بودن آن را می‌شناختند، اما به جای پیروی از آن، در استهزای قرآن و مشایعت فرهنگی مشرکان نسبت به برتری بت‌ها و عقاید آنان کاملاً همدل و همراه بودند. همچنین کفار و مشرکین پیرو آیه ۴۳ فرقان چون هوای نفسشان را اله خویش قرار دادند و قرآن در این گزینش به مقابله با آنها پرداخت و آنها را به توحید دعوت کرد و از آلهه‌ها دورشان گردانید، اما آنها به جای پذیرش دستورات و نهی‌های قرآن، در کفر و شرکشان ثابت قدم شده، سعی در انکار و مقابله با آن را در پیش گرفتند. (ر.ک: رأفت سعید، ۲۰۰۲م: ۱۰۴) بنابراین قرآن به عنوان مبلغ توحید و معیار حق و باطل، بهترین ابزار مقابله با کفر و شرک محسوب می‌شود و مایه عظمت پیامبر است در نتیجه اقتضا می‌کند که با قوای کامل یعنی قرآن با آنان مبارزه کند. جهادی فرهنگی با تبلیغی متناسب با آموزه‌های یهودیان در تورات؛ تبلیغ و تبیینی بزرگ و پیوسته، بدون توجه به بافته‌های یهودیان و مشرکان مکه.

سوره فاطر و دلیل تکرار واژه قرآن در آن

«سوره فاطر تأکیدی است بر سوره فرقان و کسی که کمترین آشنایی با قرآن کریم و اسلوب آن داشته باشد، می‌داند ذکر داستان‌ها در قرآن کریم تکرار شده است. منتها در هر سوره به تناسب موضوع و محور اصلی سوره از یک بعد بدان پرداخته است.» (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۲۴) به دنبال لجبازی و تمرد یهودیان و مشرکان در مقابل دعوت قرآن و استهزای نبی مکرم اسلام، شایسته است آن جهاد تبلیغی، فرهنگی در سطحی سنگین‌تر بر آنان فرود آید. همچنان که از دیدگاه مرحوم طباطبایی غرض سوره بیان اصول سه‌گانه دین است؛ یعنی یگانگی خدای تعالی در ربوبیت، و رسالت رسول خدا، و معاد و برگشتن به سوی او، که در این سوره بر این سه مسأله استدلال شده، و خدای تعالی برای این منظور عده‌ای از نعمت‌های بزرگ آسمانی و زمینی را می‌شمارد، و تدبیر متقن امر عالم را به‌طور عموم، و امر انسان‌ها را به‌طور خصوص به رخ می‌کشد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۱۷) علامه در ادامه می‌گوید: «قبل از شمردن این نعمت‌ها و شروع به استدلال، اشاره‌ای اجمالی به این معنا می‌کند که: گشودن در رحمت و بستن آن، و افاضه نعمت و امساک آن منحصرأ کار خدای تعالی است، و می‌فرماید: "ما يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا..." خدا در هر رحمتی را که به سوی مردم باز کند کسی نیست که آن را ببندد و باز قبل از اینکه این اشاره اجمالی را بکند، به واسطه‌هایی اشاره می‌کند که رحمت و نعمت را از خدای تعالی گرفته، به خلق می‌رسانند، و آنان ملائکه هستند، که واسطه‌های بین خدا و خلقتند و به همین جهت می‌بینیم سوره فاطر با یادآوری این وسائط با تبلیغی سنگین‌تر و بدیهی‌تر از سوره فرقان شروع می‌شود.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۱۷)

«فضای نزول که مربوط به مجموع يك سوره است، بررسی اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای است که در مدت نزول يك سوره در حجاز و خارج آن وجود داشته است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳۹/۱۷) فضای مکه در هنگام نزول سوره فرقان، بسیار متشنج و پیامبر و قرآن مورد استهزای شدید مشرکان و کفار قرار داشتند؛ پیامبر در این سوره مأمور شده که با استناد به قرآن به مقابله با افکار خرافی آنها بپردازد. سپس در سوره فاطر به دنبال تشدید انکارها و استهزا با اسلوبی دیگر، اما شبیه به سوره فرقان بر آنان می‌تازد. به دیگر عبارت اگر در سوره فرقان از ملکیت آسمان‌ها و زمین صحبت می‌کند و آثار اخروی این استهزا را برایشان ترسیم می‌کند، اما در سوره فاطر متناسب با فضای نزول و افکار مخاطبان، الگوی اظهار کلام شدید می‌شود و در معرفی عظمت خلقت خویش، از صفتی همچون «فاطر» که دال بر خلقت از عدم است، سعی در متنبه ساختن ذهن بیمار کفار را دارد. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱ سوره فاطر می‌گوید: «اگر کلمه فاطر بر خدای تعالی اطلاق شده، به عنایت استعاره‌ای بوده است، گویا خدای تعالی عدم را پاره کرده، و از درون آن آسمان‌ها و زمین را بیرون آورده، بنابراین، حاصل معنای آیه این می‌شود: حمد خدا را که پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است، به ایجاد ابتدایی، و بدون الگو و بنابراین کلمه "فاطر" همان معنایی را می‌دهد که کلمه بدیع و مبدع دارند، با این تفاوت که در کلمه ابداع، عنایت بر نبودن الگوی قبلی است، و در کلمه فاطر عنایت بر ایجاد چیزی است از اصل، نه مانند کلمه صانع که به معنای آن کسی است که مواد مختلفی را با هم ترکیب می‌کند، و از آن صورتی جدید - از قبیل خانه، ماشین، و امثال آن - که وجود نداشت، درست می‌کند.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵/۱۷)

تکرار قصه انبیای یهود در سوره فاطر

«وَإِنْ يَكْفُرْكَ فَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولًا مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (فاطر: ۴)، این آیه شریفه، رسول خدا (ص) را تسلیم می‌دهد که اگر مردم بعد از شنیدن این برهان‌های روشن، باز تکذیب می‌کنند غصه مخور، که این رفتار مردم چیز نوظهوری نیست، بلکه قبل از تو نیز چنین بوده، که هر پیغمبری به سوی قومش مبعوث می‌شده، و همان قوم و امت، او را تکذیب می‌کردند، و سرانجام همه امور به سوی خدا است، او مردم را به آنچه مستحق‌اند جزا می‌دهد، و آنهایی را که حق را بعد از ظهورش تکذیب کردند، مجازات خواهد

کرد، و چنان نیست که با تکذیب خود خدا را عاجز کنند. سبک گفتاری آیات در سوره فاطر در این مورد شدیدتر از سوره فرقان است؛ چراکه در سوره فرقان در معرفی پیامبران گذشته نهایت تأمل و درنگ را جهت ارشاد و راهنمایی مخاطب در نظر دارد؛ بدین شرح که مدلی از پیامبران سامی، شناخته شده در سرزمین حجاز را در فضای مکه به منصفه ظهور می‌رساند. در این مدل اظهاری، ابتدا موسی و هارون را معرفی می‌کند تا پیش درآمدی باشد جهت تذکر به یهودیان منکر قرآن و بعد از آنها نوح و تکذیب او از ناحیه قومش را نشان می‌دهد و در ادامه این مسیر تکذیب اقوام را با معرفی عاد، ثمود، أصحاب رس و عذابی که بر تکذیب کنندگانشان وارد آمده به پایان می‌رساند.

در کنش اظهاری سوره فاطر با اندکی تفاوت نسبت به سوره فرقان، پس از یادکرد نعمت‌ها و عظمت آنها، مبتنی بر نیاز شدید و حیاتی انسان به آنها، جهت تحقیر افکار انسان جاهلی در محیط آکنده از فساد مکه، به پیغمبر اسلام نسبت به افتراات و استهزای آنان در آیه ۴ دلگرمی داده که این تکذیب از ناحیه یهودیان و مشرکان امر جدیدی نیست؛ چراکه پیامبران پیش گفته یعنی موسی و هارون نیز مورد تکذیب واقع شدند.

دروزه در ذیل آیه می‌گوید: «آیه مذکور با سایر آیات این سوره، سیاق مشترکی دارند؛ همچنان که سایر آیات در حال خطاب به مردم و توجیه آنان نسبت به عملکردهایشان بوده و پس از بیان بشارت و اذار خویش جهت پشتیبانی و دلگرمی پیامبر نازل گردید.» (دروزه، ۱۴۲۱ق: ۱۱۷/۳) دروزه در ادامه، تسلیت و دلگرمی پیامبر را به خاطر مأموریت‌هایی می‌داند که در تبشیر و اذار به ایشان محول گردیده، در این مسیر کفار یهود همچون ملت‌های گذشته در مقابلش جبهه‌گیری نموده و با تلاش مضاعف در صدد جلوگیری از تبلیغ دین و از بین بردن آن می‌باشند؛ بنابراین شایسته است که خداوند با تبیین أحسن خویش، نمونه‌هایی روشن از دعوت سایر انبیاء را برای پیامبر یادآور شود. (ر. ک: دروزه، ۱۴۲۱ق: ۱۱۷/۳)

در ادامه آیه ۲۴، خداوند ارتباط صمیمانه‌ای با پیامبر برقرار می‌کند و او را به‌عنوان بشیر و نذیر مأمور به ابلاغ قرآن و دستورات آن می‌کند. به نظر می‌رسد شدت تهمت‌ها و آزار و اذیت محیط مکه آنقدر بر پیامبر و مؤمنین سخت و گران بود که خداوند از رابطه آرامش‌بخش خویش در نزول بدون تجافی قرآن غافل نبوده است.

در آیه ۲۵ همچون آیه ۴، دوباره می‌فرماید: ای محمد از این گفته‌های دروغ و افترا آفرین ناراحت و غمگین مباش؛ چراکه سایر پیامبران از ناحیه قوم خویش متحمل چنین مرارت‌هایی گردیدند. در ادامه با کمی تفاوت، در کنار «بیتات» به معرفی نوشته‌های یهودیان پرداخته تا رهنمی باشد بر روحیه تکذیب و تحریف‌گری یهود در همه اعصار و امصار.

البقاعی نیز می‌گوید: «با کشف نحوه ارتباط آیات، حکمت تکرار یک قصه در سوره‌های مختلف روشن می‌شود و از همین جا به این نکته منتقل می‌شود که بین غرض سوره و نحوه قصه‌پردازی در آن رابطه مستقیمی وجود دارد. او می‌گوید: در هر سوره‌ای که یکی از قصه‌های قرآنی تکرار شده است، بین مقصود اصلی سوره و آن قصه هماهنگی وجود دارد. و لذا يك قصه در سوره‌های مختلف اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند از همین روی یک قصه در هر جا با الفاظ متفاوتی نقل می‌شود و تقدم و تأخر عبارات و نظم آن و همچنین کوتاهی و بلندی داستان آن تغییر می‌کند و به تناسب مطالب سوره داستان از وضوح یا اجمال بیشتری برخوردار است.» (بقاعی، ۱۴۱۵ق: ۱/۱)

قرآن کلیدواژه سوره‌های فرقان و فاطر

سوره‌های فرقان و فاطر می‌خواهند یک قصهٔ مشترک را بیان کنند و بر یک محور می‌چرخند و این محور، همان چیزی است که غرض اصلی این دو سوره را تشکیل داده که واژگان کانونی (جهاد)، (کافر)، (جهد)، (ایمان) به انضمام سیاق آیات و کاربست معناشناسی، نشانه‌ای باهر و منیع هستند بر اینکه غرض اصلی این دو سوره، بیان آسمانی بودن قرآن و نقش هدایتی آن است تا مردم در ناملایمات زندگی جهت شناخت سه‌گانه (توحید- نبوت- معاد) به آن رجوع کنند. و همچون یهود که به تورات پشت کرده و در کتمان حقیقت بی‌بدیل بوده اند به آن پشت نکنند. همچنین از اطاعت یهود و نقشه‌های شوم آنان و شعوبیگری و تعصبات دینی دست برداشته و زیر لوای قرآن، درس محبت و انسانیت را فراگیرند. این نکته مهم در آیه ۴۲ سوره فاطر این‌گونه بیان شده است: حال که این پیغمبر با کتابی احکام یافته و متین آمده، چرا به سوگندهای قبل از آمدنش؛ مبنی بر عمل به دستورات دین جدیدی که آرزوی بومی شدنش را داشته‌اید، توجه نکرده و همچون یهود که در تحریف کتاب روشنگر خویش شهرهٔ عام و خاص شدند، شما نیز با همین سیاق به قرآن و عمل به دستورات آن پشت پا زده و دشمنی می‌کنید.

بنابراین قدر مشترک سوره‌های فرقان و فاطر این‌گونه است که در آیه ۳۰ سوره فرقان، مشرکان قریش هم نسبت به سوگندهایشان در هدایت گرفتن از قرآن خلف‌وعده کردند و هم با تمسخر و پشت پا زدن به دستوراتش، این قرآن عظیم را رها کردند. و در آیه ۴۴ سوره فاطر، کفار و مشرکان اگرچه همان مسیر منکوس نسبت به قرآن را برای خویش انتخاب نمودند، بلکه برای برون‌رفت از این مسیر باطل باید در زمین سیروسفر کنند و عاقبت کسانی را که از آنها نیرومندتر و متمدن‌تر بودند را ببینند که چگونه نیست و نابود گردیدند؛ چراکه هیچ پدیده‌ای در آسمان و زمین توان گریز از حیطهٔ قدرت خداوند را ندارد.

پیمان‌شکنی مشرکین در سُور فاطر و فرقان

دروزه دلیل پیمان‌شکنی مشرکین، علی‌رغم سوگندهای مکررشان در حمایت از قرآن را ناشی از روحیهٔ استکباری آنان دانسته است؛ زمانی که پیامبر با دین اسلام در بین آنها حضور یافت و اندیشه‌ها و اوامر خویش را در قالب سه‌گانه: «توحید-نبوت-معاد» و مصادیق آن ارائه نمود. زمانی که مشرکین، پیامبر جدید را همگرا با افکار ماتریالیستی و اقتصادی خود ندیدند، خشم و حسد آنان علیه پیامبر (ص) رو به فزونی نهاد؛ بنابراین مثل آنها همچون کسی است که خداوند آیاتش را بر او عرضه می‌کند، او به جای پذیرش دستورات، از آنها فاصله گرفته و به پیروی از شیطان، در زمره گمراهان قرار خواهد گرفت. (ر.ک: دروزه، ۱۴۲۱ق: ۱۳۷/۳) همچنان که مفسران در ذیل آیه ۱۷۵، سوره اعراف، دو نفر از بزرگان قریش به نام‌های أمیه بن الصلت و أبوعامر نام برده‌اند که به دلیل اختصاص نبوت و قرآن از ناحیهٔ خداوند، به پیامبری که در سلک و طبقهٔ آنها نبود، نسبت به آن بزرگوار دچار حسد و کینه شده و با تمام قوا به مبارزه با دینش پرداختند.

شبهه آیات بالا در سوره صاد: «وَ انْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْسُوا وَ اصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ» (ص: ۶) «مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ» (ص: ۷) «أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابِ» (ص: ۸) و سوره زخرف آیه ۳۱ «وَقَالُوا لَوْلَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقُرَيْتَيْنِ عَظِيمٍ» (زخرف: ۳۱)، آمده که گزینش محمد به‌عنوان پیامبر را بسیار دور از انتظار دانسته و بر آن کبر ورزیدند و همگی ابراز داشته که قرآن باید بر مردی بزرگ از بزرگان قریش یا طائف نازل شود. (ر.ک: دروزه، ۱۴۲۱ق: ۱۷۳/۳)

بنابراین منظور از جهاد به‌عنوان کلیدواژه درهم‌تنیده با قرآن، مستند به سیر نزول در سُور مکی فرقان و فاطر با وجود تشابه معنایی نزدیک به هم و معارضات یهود و مشرکین با پیامبر (ص) و قرآن، همان تبلیغ قرآن با طمأنینه و آرامش است؛ با این تفاوت که آن جهاد

و تبلیغ در سوره فرقان، مقدمه‌ای است برای تبلیغ و معرفی قرآن در سوره فاطر. در سوره فرقان، یهودیان به‌عنوان اهل کتاب، از مشوقان و مبلغان اصلی مشرکان، نقش مهم و حیاتی را در تدلیس و کتمان حقایق قرآن داشته و گاهی با استهزا قرار دادن آن، سعی در پایین آوردن ارزش قرآن و جلوه بشری دادن به آن را داشتند که این تبلیغات سوء، تأثیرات منفی بر افکار مشرکین آمی به جای گذاشت؛ چنان‌که بر این تسویل و توهم قرار گرفته بودند که مبلغ قرآن باید شخصی ثروتمند و از مشاهیر اقتصادی قریش باشد. به دیگر عبارت یهود کافر در سوره فرقان با فراهم نمودن مقدمات استهزای قرآن، تمهیدات همسو شدن مشرکان قریش با خویش را در سال‌های میانه نزول در مکه آماده کرده؛ آن‌چنان‌که تأثیر آن افکار موهوم بر ذهن مشرکان را در سوره فاطر با وارد آمدن این شبهه از سوی آنان بر قرآن که آورنده آن باید از مترفین و ثروتمندان باشد، شاهد هستیم. (فاطر: ۳ - ۴۲) می‌توان این هم‌افزایی فرهنگی را نوعی این‌همانی عقیده‌ای دانست. متناسب با آن، مسلمانان نیز باید تدابیر لازم و بجا را برای مقابله با یک جنگ فرهنگی تمام‌عیار در سطوح مختلف داشته باشند.

نتیجه‌گیری

ساماندهی سوره‌های قرآن براساس ترتیب نزول، زمینه ورود مفسر در فضای سیره دعوتی پیامبر (ص) و نزول سوره‌ها را فراهم می‌سازد. به یقین می‌توان گفت: مطالعه قرآن در چنین فضایی، فهم بهتر و دقیق‌تر آیات را در پی دارد؛ چراکه خواننده خود را در فضا، شرایط زمانی و مکانی و جریان مناسبت‌های نزول قرآن و غایت و مفاهیم آن احساس می‌کند و حکمت تنزیل برایش آشکار می‌شود. روشی که دروزه با الگوبرداری از آن و به کمک سیاق تا حدودی توانست از عهده آن برآید. بر پایه این جدول، سوره‌های فرقان و فاطر اولین واحدهای نزول خود را در فاصله سال‌های ۶ و ۷ بعثت به قرآن و نقش هدایتی آن اختصاص داده است.

براین اساس، در سال‌های اولیه بعثت با شکست مستمر مشرکان قریش و اهل کتاب در برابر عظمت قرآن و منطق بی‌بدیل آن، در آستانه سال ششم بعثت، قرآن برای مقابله با گروه‌های مزبور در سوره فرقان، با کنش اقناعی، مالکیت آسمان و زمین را از ناحیه خداوند دانسته است و پیرو نظام علی و معلولی خویش، ذهن‌ها را به دقت و تفکر وامی‌دارد. که تبیین متفکرانه سوره، مخاطب را به این دلالت می‌رساند که نازل‌کننده قرآن، همان خدایی است که نظام پدیداری و شگفتی‌های آن را به نحو بلیغ و زیبایی در نظام تشریحی قرآن بازتعریف کرده است. سرانجام این جریان‌شناسی در سال هفتم بعثت، مشرکان قریش و اهل کتاب را بعد از ناکامی‌های پی‌درپی به این نتیجه رسانید که تنها راه مقابله با قرآن و پیامبر (ص)، استفاده از خشونت، وحشت و تکذیب آن است. در مقابل، سوره فاطر نیز متناسب با تشدید خشونت و تکذیب مخاطبین خویش با تغییر رویکرد در آن شرایط نزول، با کنش اظهاری خود، قرآن را نه جهت تمسخر و تکذیب، بلکه منشأ تحول‌آفرینی می‌داند؛ بنابراین رسیدن به کنش و رویکردهای متفاوت قرآن در سوره‌های فرقان و فاطر در مقابل رفتار و عملکرد مخاطبین خویش در فاصله سال‌های ۶ و ۷ معطوف به شناخت ترتیب نزول است. و ترتیب نزول مخاطب را به ناگفته‌های تاریخی عصر نزول قرآن و مفهوم‌شناسی سوره‌ها در آن فاصله زمانی می‌رساند.

منابع

الف - كتابها

قرآن كريم.

ابن شهر آشوب، رشيد الدين محمد بن علي، (١٣٦٩ق)، متشابه القرآن و مختلفه بيان المشكلات من الآيات المتشابهات، قم: دارالبيدار للنشر.

ابن عطيه، عبدالحق بن غالب، (١٤٢٢ق)، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، بيروت: دارالكتب العلميه.
ابن كثير، اسماعيل بن عمر، (١٤١٩ق)، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دارالكتب العلميه.

بقاعي، ابراهيم بن عمر، (١٤١٥ق)، نظم الدرر في تناسب الآيات والسور، بيروت: دارالكتب العلميه.
بيضاوى، عبدالله بن عمر، (١٤١٨ق)، انوار التنزيل و أسرار التأويل، بيروت: داراحياء التراث العربى.
بهجت پور، عبدالكريم، (١٣٩٢)، شناخت نامه تنزيلي سوره های قرآن كريم، قم: مؤسسه تمهيد.
_____، (١٣٨٧)، همگام با وحى، قم: بسط النبى.

حجازى، محمد محمود، (١٩٨٢م)، التفسير الواضح، بيروت: دارالكتاب العربى.
حسينى همدانى، محمد، (١٤٠٤ق)، انوار درخشان، تهران: لطفى.
خازن، على بن محمد، (١٤١٥ق)، تفسير الخازن المسمى لباب التأويل فى معانى التأويل، بيروت: دارالكتب العلميه.
خامه گر، محمد، (١٣٨٦)، ساختار هندسى سوره های قرآن، تهران: سازمان تبليغات اسلامى.

دروزه، محمد عزه، (١٤٢١ق)، التفسير الحديث، بيروت: دارالغرب الاسلامى.
_____، (بى تا)، سيرة الرسول صور مقتبسه من القرآن الكريم، بيروت: المكتبة العصرية.
_____، (١٩٩٣م)، مذاكرات محمد عزه دروزه، بيروت: دارالغرب الاسلامى.

ديارى بيدگلى، محمد، (١٣٨٣)، پژوهشى در باب اسرئيليات در تفاسير، تهران: انتشارات سهروردى.
رأفت سعيد، محمد، (٢٠٠٢م)، تاريخ القرآن، بيروت: دارالوفاء.

زحيلي، وهبه، (١٤١٨ق)، التفسير المنير فى العقيدة والشريعة والمنهج، بيروت: دارالفكر المعاصر.
الزركشى، محمد بن عبدالله، (١٩٥٧م)، البرهان فى علوم القرآن، قاهره: چاپ محمد ابوالفضل ابراهيم.
زمخشري، محمود، (١٤٠٧ق)، الكشاف عن حقائق الغوامض التنزيل، بيروت: دارالكتاب العربى.

سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، (١٤٠٦ق)، تناسق الدرر فى تناسب السور، دراسة و تحقيق: عبدالقادر احمد عطا، بيروت: دارالكت العلميه.

شهرستانى، محمد بن عبدالكريم، (١٣٧٦)، مفاتيح الاسرار و مصابيح الابرار، تهران: احياء كتاب دفتر نشر ميراث مكتوب.

صالح، صبحى، (١٣٥٨)، المباحث فى علوم القرآن، قم: انتشارات الشريف الرضى.

طباطبائى، محمد حسين، (١٣٩٠)، الميزان، بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.

طبرسى، فضل بن حسن، (١٣٧٢)، مجمع البيان فى التفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر اسلام.

العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۱)، التمهید، ترجمه ابو محمد و کیلی، تهران: مرکز نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نکونام، جعفر، (۱۳۸۰)، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، قم: نشر هستی نما.

هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ترجمه حسن زاده عاملی و محمد باقر کمره ای. تهران: مکتبه الاسلامیه.

ب - مقالات

احمدنژاد، امیر؛ کلباسی اشتری، زهرا، (۱۳۹۳)، «نقد دیدگاه مفسران معاصر درباره تعامل پیامبر(ص) با اهل کتاب در مکه»، پژوهش های قرآن و حدیث، شماره ۲، صص ۱۷۵-۲۰۱.

اخویان، محمد علی؛ زارع، رحمان، (۱۳۹۹)، «بررسی دیدگاه مفسران فریقین پیرامون توقیفی یا اجتهادی بودن چینش سور»، پژوهش های تفسیر تطبیقی، شماره ۱۱، صص ۴۳-۶۶.

بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۹)، «روش ایجاد تحول فرهنگی - اجتماعی با الهام از اهداف قرآن در سیر نزول»، فلسفه دین، شماره ۳، صص ۳۹۲-۳۶۱.

صحرایی اردکانی، کمال؛ زارع زردینی، احمد، (۱۴۰۰)، «الگوی در تحول دانش تناسب سور؛ مطالعه موردی تناسب سورة فتح و محمد»، پژوهش های قرآنی، شماره ۳۴، صص ۱۱۱-۱۳۸.

Explaining the reason behind the subsequent revelation of two Surahs Far Qan and Fater based on the principles of Deductive interpretation from Druze's point of view

Abstract

According to the different narrations regarding the order of revelation of the surahs, it was appropriate to find a table that would greatly reduce the differences in the interpretation of the Qur'an in the historical field and be able to reach the conceptual compatibility of the surahs under the influence of it. In this regard, the table of the order of the descent of Muhammad Azza Droze was one of the tables that had enough strength to establish the proportionality of the surahs with the help of the context. Therefore, the main goal of this article is set and by collecting information through library and documentary methods and referring to original sources and comparing and analyzing the existing works, this result was obtained that according to the table, the order of descent of Druze and according to the content of these two Surah, these surahs were revealed one after the other. As a result, at the time of the revelation of Surah Furqan, the polytheists of Quraysh, with the help of the cultural guidance of Mecca Jews, focused all their efforts on mocking the Qur'an and insulting the character of the Prophet (PBUH). In such a way that this surah was revealed in response to them, with a distinction between the phenomenal system and the legislation. Following the intensification of the stubbornness and recalcitrance of the polytheists and Jews of Mecca, Surah Fatir was revealed with a stricter speech pattern than Surah Furqan.

Keywords: "Potheists"; "interpretation"; "Jews"; "Discount"; "Droze"